

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۰ اپریل ۲۰۱۸

سخنی با اهل خرد

عدالت، آرمان انسانی است و هیچ چیز به اندازه پایمال شدن حق ضعیف و مظلوم برای فطرت بشر آزاده زجرآور و نفرت انگیز نیست و هیچ چیز به اندازه بی عدالتی، کینه و دشمنی را در اذهان پدید نمی آورد. در مقطع هائی از تاریخ پراز فراز و نشیب بشری انسان هائی تبارز کرده اند که برای تحقق عدالت اجتماعی و از بیخ و بن کندن ریشه های ظلم و استبداد مسؤولیت گرفته اند و بسیاری از آنان نیز در راه عدالت و هم چنان ظلم و ستم ستیزی، استعمار و استثمار ستیزی جان های شیرین شان را فدا کرده اند. نمونه درخشان آنان زنده یادان و گرامی یادان آرش کمانگیر، کاوه آهنگر، یعقوب لیث صفار، سنباد بلخی، قارن هراتی، نیزک بادغیسی، استاد سیس سیستانی، ملالی میوند، امان الله، سرور جويا، میربچه کوهدامنی، میر مسجدی کوهستانی، عبدالرحمان محمودی، مجید کلکانی، قیوم رهبر، احمد فیض، بشیر بهمن، لطیف محمودی، میرویس فراهی، قاضی ضیاء، عزیز طغیان و... می باشد.

ناگفته نماند که از آغاز زندگی بشر، همواره ظلم و بی عدالتی روح و روان بشر را آزرده است و بشریت را تشنه جهانی عاری از هر نوع تبعیض و تعدی ساخته است. در طول تاریخ، همه افراد و اقشار و جوامع انسانی اعم از کوچک و بزرگ خواهان اجرای عدالت بوده و از نقض آن توسط زورمندان و ستمگران متنفر بوده اند. هر پدیده ای نیاز به یک علتی دارد و برای این پدیده اخلاقی و اجتماعی علل و عوامل زیادی ذکر شده است. سزاوار است تا با عبرت گرفتن از تاریخ گذشته و حال ما، فرق بین ظالم و مظلوم، طبقات ستمگر و ستمکش را درک کنیم و بدانیم که ظلم طبقاتی چیست و چگونه علیه آن متحدانه مبارزه نماییم.

در افغانستان تنها طبقات حاکم و ممتاز جامعه در رفاه کامل زیسته و زندگی می نمایند، و اما اکثریت مردم از امکانات یک زندگی ساده محروم بوده و هنوز هم هستند. در شرایط کنونی که افغانستان توسط امپریالیزم غرب و در رأس آن امپریالیزم امریکا مورد تجاوز نظامی قرار گرفته است، طبقات ظالم و وطنفروش که ننگ تجاوز و مستعمره شدن کشور شان را پذیرفته اند، شدیداً به استثمار طبقات و لایه های دردمند جامعه پرداخته و حتی احساسات مذهبی آنان را استثمار نموده و آنان را در خدمت منافع مذهبی ملا های ایرانی، پاکستانی و شیخ های سعودی قرار داده اند. طبقات ستمگر که پایه های اساسی دولت و حکومت مستعمراتی را تشکیل داده اند، یا در گذشته اکثراً در خدمت منافع سوسیال امپریالیزم شوروی قرار داشتند و یا آنده از جهادی هائی اند که از خیرات جهاد، کمک های مالی و تسلیحاتی امپریالیزم غرب و از درک دزدی، سلاح فروشی و هیروئین فروشی صاحب میلیونها دالر شده اند، امروز با وصف

آن که مقامات بلندی را در دولت و حکومت پوشالی در اختیار دارند، هم چنان به مثابه بورژوازی کمپرادور و بورژوازی خصوصی سرمایه‌گذاری هائی در داخل و در خارج از کشور نموده، دارای شرکت ها و شهرک ها و... می باشند و اما در زندگی زحمتکشان ملیت های مربوطه آنان هیچ گونه تغییرات مثبت پدید نیامده است. بناءً طبقات ظالم، ستمگر و استثمار گر ملیت های مختلف، یکسان عمل کرده و با همدیگر هیچ نوع دشمنی و عداوتی ندارند، چون منافع آنان یکی است. و اما همین قشر مفتخوار و طفیلی؛ ملیت ها را به جان همدیگر انداخته و از نفاق و عداوت بین ملیت ها نفع می برند و از بالای غندی خیر نظاره گر اند .

ایمان کامل دارم که خلقهای عادی کشور با هم هیچ گونه کدورت و دشمنی نداشته، بل پیوند مشترک و علائق تاریخی داشته و آرزو دارند که در صلح و صفا زیست باهمی داشته باشند.

این که طبقات ستمگر در رأس جامعه و در رأس امور کشوری قرار دارند و یا از طرق دیگری تحت عنوان زبان و مذهب، هویت و تبار و... بالای طبقه مظلوم ظلم روا می دارند و مظلوم به جای دفاع از خود به ملیت ستیزی پردازد، عقده بگیرد و دست به کار های غیر منطقی و خلاف منافع علیای ملی بزند؛ چه بهتر است که خردمندانة اندیشیده آن همه مظالم را ریشه یابی نماید. عقل و منطق حکم می کند که همه انسان هائی که در قلمرو جغرافیائی افغانستان زندگی می نمایند، باشندگان این مرز و بوم بوده و این کشور متعلق به آنان می باشد. پس باید دارندگان عقل سلیم دشمنان طبقاتی شان را بشناسند، هم چو زنجیر پولادین به هم پیوسته و بپیچند و با اتحاد مقدس شان مشت های کوبنده بر فرق ها و جمجمه های طبقات زورگو، ستمگر و وطنفروش وارد سازند و آنان را به زیاله دان تاریخ فرستاده، بر فراز ویرانه های کهن جامعه نیمه فئودالی و مستعمره بنای یک افغانستان نو را بگذارند و راه را برای ساختمان سوسیالیزم و یگ گذار از آن آماده سازند تا دیگر از کلمه پشتون، تاجیک، هزاره و... اثری نباشد و همه به مثابه انسان در صلح و رفاه زیست نمایند.